



در این شماره می خوانیم:

چراغی برای هدایت تا قیامت
خوشبختی واقعی را با غذای روح تجربه کنیم
به مناسبت روز جهانی مبارزه با حکم اعدام
رکن سومی که احمدالحسن علیه السلام با آن نزد مسیحیان آمده است
لزوم ایثارگری و کناره نگرفتن حاکم از مردم
حکم شرعی بوسیدن دست عالم، والدین، معلم، کودک و...
کرونا سازه های تشکیلات مذهبی را خراب می کند

اتهام مسلمانان به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم

امروز فلان کس می آید و می گوید محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، وصیتی که ثقلین را مشخص می کند، ترک نموده است؛ به این ترتیب به سادگی، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را متهم می کند که از خداوند سرپیچی کرده است؛ به این علت که تنها وصیت روایت شده، با هوای نفسش موافقت ندارد و در آن، ذکر مهدیین و نام اولین آنان است؛ بنابراین تعجبی ندارد که بگوید رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وصیت نکرده است. آیا پیروی از هوای نفس، روشن تر از این وجود دارد؟!

کتاب عقاید اسلام، اثبات نوشته شدن وصیت محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هنگام وفات که بازدارنده از گمراهی است

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.
۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود: «... ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

پرسش و پاسخ

فهرست

- ۳..... چراغی برای هدایت تا قیامت
- ۴..... خوشبختی واقعی را با غذای روح تجربه کنیم
- ۶..... به مناسبت روز جهانی مبارزه با حکم اعدام
- ۱۱..... رکن سومی که احمد الحسن علیه السلام با آن نزد مسیحیان آمده است
- ۱۴..... لزوم ایثارگری و کناره‌نگرفتن حاکم از مردم
- ۱۶..... بررسی زمان شکل‌گیری نهاد خانواده «قسمت دوم»
- ۱۸..... حکم شرعی بوسیدن دست عالم، والدین، معلم، کودک و...
- ۲۰..... کرونا سازه‌های تشکیلات مذهبی را خراب می‌کند



هفته‌نامه زمان ظهور

هفته‌نامه زمان ظهور، شماره ۹۰، جمعه ۲۵
مهر ۱۳۹۹، ۲۸ صفر ۱۴۴۲، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۰
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت
راه‌های ارتباطی:

www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته‌نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين

چراغی برای هدایت تاقیامت

وصیت مقدس پیامبر ﷺ تیری ست ...

امت پیامبر ﷺ در پیشگاه ایشان و در واپسین روزهای حیات رسول رحمت و مهربانی، نگرانی را به چشمان مبارک حضرتش سرازیر ساخت؛ زمانی که فرمود «صحیفه و دواتی بیاورید تا بنگارم چیزی را که تمسک‌کنندگان به آن هرگز گمراه نخواهند شد»، عمر خبردار شد و در حضور نبی خدا فریاد برآورد: «هذیان می‌گوید، قرآن ما را بس است...»
همه‌شده و چه مصیبت عظیمی است هیاو در حضور والاترین انسان...

اما نوشته شد آنچه عمر و امثال او خوش نمی‌داشتند... نام علی علیه السلام و اولادش (ائمه) و مهدی علیه السلام و اولادش (مهدیین) در گوهر وصیت همچون ستارهای روشن، چراغ راه چنگ‌زنندگان شد و امروز وصی مهدی علیه السلام، احمد، با همین دلیل درخشان ذکر لب مؤمنانی شده است که در کورمراه‌های سخت آخرالزمانی، آسوده دست بیعت به سمت حضرتش دراز کرده‌اند تا طبق فرمایش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله گمراهی از آنان دور باشد و نشان فرقه ناجیه برازنده آنان شود.

سید احمد الحسن علیه السلام:

آنچه را طلب می‌کنی کوچک‌شمار و گمان نکن آنچه از خدا می‌طلبی، بسیار بزرگ است.

(سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)

خوشبختی واقعی را با غذای روح تجربه کنیم

مزین نباشد، نمی‌تواند واقعاً خوشبخت و راضی باشد. سید احمدالحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می‌فرمایند: «متأسفانه بیشتر مردم برای غذا دادن به بدن‌هایشان کار می‌کنند و افرادی که به روحشان غذا می‌دهند، اندک هستند. بیشتر مردم نسبت به شناخت حقیقت، اهتمام نمی‌ورزند و نسبت به دنیا و خودشان اهتمام می‌ورزند؛ و افرادی که نسبت به شناخت حقیقت تلاش می‌کنند، اندک هستند.» [به نقل از شیخ حسن جبر، ۱۳ آوریل ۲۰۱۹]

امام صادق علیه السلام در کلامی می‌فرمایند:

«اگر توانستی جز خداوند را نخوری، چنین کن.»

وجود آورد که صد درصد از زندگی راضی باشد و به زندگی علاقه‌مند و دلگرم شود؛ زیرا مایه دلگرمی روح این امور نیست.

برای بعضی از مردم موجب تعجب می‌شود وقتی می‌شنوند که فلان مرد یا فلان زن که تمام وسایل زندگی برای آن‌ها فراهم است و دیگران آرزوی داشتن زندگی‌ای همچون زندگی آن‌ها را دارند، از وضع خود ناراحت‌اند؛ تعجب می‌کنند که چرا این‌ها ناراضی‌اند؟! ولی جای تعجب ندارد؛ چرا که پرداختن به لذات مادی و جسمانی و رها کردن جنبه‌های احتیاج روحی نتیجه‌ای جز این ندارد.

بدون شک هرکس دلش به شعله ایمان گرم و از برق امید روشن نیست و به زینت علم و اطلاع

غذا، از ابتدایی‌ترین نیازهای جسم انسان و بلکه تمام موجودات زنده است. به طوری که می‌توان گفت انسان‌ها با غذا زنده‌اند و چه بسیار انسان‌هایی که از نبود غذا می‌میرند و این قانونی است برای جسم انسان که با غذا زنده است. این از ناحیه جسم انسان است که نیاز به غذا دارد. این انسان روحش نیز مانند جسمش محتاج تغذیه است. اگر به جسم انسان غذا نرسد لاغر می‌شود و اگر مدتی نرسیدن غذا ادامه پیدا کند، بدن می‌میرد و از بین می‌رود. اگر به روح نیز غذا نرسد لاغر و ناتوان می‌شود و اگر ادامه پیدا کند، روح می‌میرد.

غذای روح البته از جنس گندم و برنج و روغن نیست؛ غذای روح علم و ایمان و یاد خداست.

آری، آنچه احتیاج روح را رفع می‌کند و به او قوت و نیرو می‌بخشد و آرامش و اطمینان می‌دهد، ماده و مادیات نیست؛ بلکه معنویات است.

انسان نمی‌تواند از راه پرکردن ظرفیت شکم و از راه به دست آوردن مقامات ظاهری و صورت خلاصه از راه مادیات، روح خود را راضی و خشنود سازد؛ یعنی حالتی را به

سید احمدالحسن علیه السلام:

هر چه از خیر دنیا و آخرت را که برایت آشکار شده و صلاح دین و رضای خدا در آن است درخواست کن. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



سید احمد الحسن علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید:

«حضرت عیسی علیه السلام می‌فرماید «بنی آدم نه تنها با غذا زنده می‌ماند؛ بلکه با کلام خداوند نیز زنده می‌ماند» و من بنده خداوند به شما می‌گویم که بنی آدم با غذا می‌میرد و با کلام خداوند زنده می‌شود.» [پاسخ‌های روشنگرانه، ج ۱، س ۲]

آری. کلام و یاد خداوند دل‌های مرده را زنده می‌کند. خداوند در قرآن می‌فرماید: (الا بذكر الله تطمئن القلوب) (همانا با یاد خدا دل‌ها به آرامش می‌رسد).

اما نکته جالبی که سید علیه السلام به آن اشاره می‌کنند این است که انسان با غذا می‌میرد.

این بدان معناست که اگر آدمی به غذا و شهوات مشغول شود، مرگ تدریجی روحش را در پی دارد.

انسان سالک الی الله، با معنویات است که قوت می‌گیرد، با ذکر و یاد اهل بیت و نماز و دعا و استغفار است که قوت می‌گیرد. به امید اینکه صدای پای ما در ملأ‌اعلی شنیده شود.

این مقاله کوتاه به بهانه روز جهانی غذا نوشته شده است.

مادی، می‌خورد و می‌آشامد.» و این امام عزیز در ادامه کلامشان به نکته بسیار مهمی اشاره کردند و فرمودند:

«واقعتی که مردم باید بدانند این است که (انسان با غذا می‌میرد). با غذا و شهوات، روح از ارتقا بازمی‌ماند و به تدبیر این بدن جسمانی متوجه و منحرف می‌شود و برای روح، این مشغول‌شدن به معنای نوعی مرگ تدریجی است؛ همان طور که ذکر و تلاش در راه خداوند سبحان و متعال، نوعی حیات و پیشرفت تدریجی است.»

[متشابهات، ج ۳، س ۱۰۲]

خب! این کلامی متشابه است و فقط حجت خدا می‌تواند مقصود این حدیث را بیان کند و دیگران هرچه بگویند تیر در تاریکی انداختن است.

از وجود مبارک یمانی موعود علیه السلام پرسیده‌اند معنی این حدیث چیست؟

ایشان در پاسخ فرمودند:

«یعنی اینکه در همه حال ذاکر خداوند سبحان و متعال باشی که ذکر، غذای روح است. دیگر اینکه از غذای بدن تا آن مقدار که نیاز دارد بکاهی؛ یعنی خوردن برای قوت گرفتن باشد نه از روی شهوت. عیسی علیه السلام می‌فرماید: «انسان فقط با غذا زنده نمی‌ماند؛ بلکه با کلمه خدا نیز زندگی می‌یابد.» به این ترتیب انسان در آسمان‌های ملکوتی به مقامات می‌رسد؛ سپس او بدون غذای جسمانی



سید احمد الحسن علیه السلام:

دعاهای مبارک صحیفه سجادیه که کتاب زبور آل محمد (ع) است فراموش نشود؛ همچنین دعای کمیل در شب‌های جمعه و دعای ابو حمزه ثمالی و مناجات شعبانیه. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)

به مناسبت روز جهانی مبارزه با حکم اعدام

کسی جز فرستادگان خدا حق اجرای حکم قصاص ندارد

۱۰ اکتبر یا ۱۹ مهر، روز جهانی مبارزه با حکم اعدام است؛ حکم و سپس مجازاتی که تحت تأثیر مسائل خاصی در جوامع مختلف به اجرا درمی‌آید.

پیش از آنکه به سراغ پاسخ این سؤال برویم که آیا این احکام عادلانه است یا خیر، بهتر است پرسیم حکم‌کننده و وضع‌کننده قانون کیست و اجراکننده چه کسی باید باشد؟

هر خداباوری می‌داند که خالق جهان، مالک آن است و او حق قانون‌گذاری و اجرا دارد، و خداباوری که دین ندارد باید بداند که خدا نه جاهل است و نه کاهل! و ما او را دعوت می‌کنیم تا در کلمات سید احمد الحسن علیه السلام، به خوبی تدبر کند:

«اگر کشتی کوچکی را در نظر بگیریم که در آن تعدادی ملوان و خدمه مشغول به کار باشند، آیا صاحبش آن را بدون ناخدا رها می‌کند؟! اگر صاحبش چنین کند و کشتی غرق شود، آیا منصفانه نیست بگوییم که صاحب آن، نادان و جاهل بوده است؟ حال، چگونه قبول کنیم که خدای سبحان و متعال کشتی را در حالی که پر از زندگانش است، در این فضای متلاطم، بدون رهبر رها کرده باشد؟

تهاجمات سهمگینی که امروزه بین این بندگان وجود دارد، برای غرق کردن کشتی و پراکندن اجزای آن در فضا کافی است؛ آیا عادلانه است که سرنشینان این کشتی بدون شرع و قانون الهی و بدون رهبری عادل و معصوم که این شریعت و قانون را پیاده کند، رها شوند؟! خداوند سبحان و متعال حکیم عادل ملک قدوس از این نسبت‌ها مبرا است!



ما به عنوان مسلمان، بر این عقیده اتفاق نظر داریم که شرع و قانون در این زمان، همان دین اسلام، دین پایان‌دهنده ادیان است و خداوند سبحان و متعال، امامان عادل، پاک و معصوم را تعیین فرمود تا با قسط و عدالت، به امور دین و دنیا

سید احمد الحسن علیه السلام

آیا شریتر از طاغوت‌هایی که امروزه بر امت مسلط شده‌اند پیدا می‌شود؟ به امر به معروف و نهی از منکر بازگردید و در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری هراسی به خود راه ندهید. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



پس هنگامی که بحث حکم و اجرای آن می‌آید این قضایا تماماً مربوط به خدا و حجت اوست که با نص از طرف خدا به او (که شخص در رؤیا آن را می‌بیند) یا وصیتی از جانب خلفای پیشین به او شناخته می‌شود؛ بنابراین احدی حق ندارد که در حکم صادرشده از سمت او دخالت کند. و کسی از مردم به اندازه‌ای که خدا و فرستاده او نسبت به مردم ترحم دارند، دلسوزی ندارد و هیچ‌کس صلاح آنان و شرایطی را که آنان در زمان گناه مرتکب شده‌اند، بهتر از خدا و رسولش نمی‌داند؛ پس هیچ عاقلی وجود ندارد که معتقد باشد حکمی که خدا و فرستاده‌اش صادر و اجرا می‌کنند ناقص و اشتباه و به ضرر جامعه است؛ چراکه فرستادگان خدا امید به اصلاح جامعه دارند و برای آن کوشش می‌کنند و آنان همچون پدری دلسوز هستند که آسیب‌دیدن فرزندان را برای او سخت و ناگوار است.

سنگ اوّل

امام احمد الحسن علیه السلام فرمودند:

«فردی که خواستار اصلاح است، گناهکاران را نمی‌کشد؛ بلکه خواستار هدایتشان می‌شود و اخلاق نیکو را از خلال رفتار و روش خویش در زندگی، نسبت به آنان، به ایشان می‌شناساند.

مردان دینی، شما را با فتاوی کشتن پنهانی، به این دلیل که این فرد، زناکار است و این،

پیرازند؛ اما طاغوتیان، حق آن‌ها را غصب کردند و با ظلم و زور بر سکان رهبری آن‌ها چنگ انداختند و مردم نیز آن رهبران پاک را تنها گذاشتند و یاری نکردند، بهره خود را از دست دادند و مورد غضب پروردگارشان قرار گرفتند.» [کتاب سرگردانی یا راه به‌سوی خدا، مبحث اسلام، سیاست و حکومت] همچنین فرمود:

«شخص حاکم بر خون مردم و دستورات صلح و جنگ و از جمله این‌ها مانند صدور حکم اعدام باید به شخصی بازگردد که از جانب خداوند تعیین شده باشد، که در غیر این صورت فسادهای بسیار بزرگی اتفاق خواهد افتاد و خون‌های زیادی هدر خواهد رفت، که نمونه‌های این فسادها در نظام‌های دموکراسی بسیار زیاد است.» [۱۳ آگوست ۲۰۱۷، صفحه رسمی فیس‌بوک] و نیز فرمود:

«در دین خداوند، تا زمانی که معصومی اعدام انسانی را امضا نکند، اعدام انسان با حکم قضایی جایز نیست.» [۱۹ نوامبر ۲۰۱۷، صفحه رسمی فیس‌بوک]



سید احمد الحسن علیه السلام:

باید فریادها را بر سر هر عصیانگری بلند کنیم تا شاید خداوند ما را در رحمت خویش قرار دهد و این بلا را از ما بگرداند. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)



شنیدند، از ضمیر خود ملزم شده، از مشایخ شروع کرده تا به آخر، یک‌یک بیرون رفتند و عیسی تنها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده بود. ۱۰ پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید، بدو گفت: «ای زن آن مدعیان تو کجا رفتند؟ آیا هیچ‌کس بر تو فتوا نداد؟» ۱۱ گفت: «هیچ‌کس ای آقا.» عیسی گفت: «من هم بر تو فتوا نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن.» [انجیل یوحنا، فصل ۸]



آیا تکفیری‌های کافر که خود بنا بر شهادت بسیاری از انسان‌ها غرق در فساد و گناه و تعفن هستند، اما زنان و مردان گناهکار یا

این‌طور است، فریب ندهند. قتل، ستم و جنایت بد غیراخلاقی است و نمی‌توان آن را از جهت دینی مُوجّه کرد؛ عیسی (یسوع) مقابل مردان دینی، مانند دیواری مقابل سنگ‌هایشان ایستاد؛ همان افرادی که می‌خواستند فرد متهم به زنا را با سنگ، سنگسار کنند.»

”.....“

[۱۳ اکتبر، ۲۰۱۸، صفحه رسمی فیس‌بوک]

به‌راستی این همان اخلاق فرستادگان خدا، آن معلمان راستین و دلسوز بشر است؛ اما آنچه را بین عیسی و مردان دینی یا همان علمای متکبر یهودی رخ داد می‌توانیم در انجیل بخوانیم: (۱) اما عیسی به کوه زیتون رفت. ۲ و بامدادان باز به هیکل آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند، نشسته، ایشان را تعلیم می‌داد. ۳ که ناگاه کاتبان و فریسیان، زنی را که در زنا گرفته شده بود، پیش او آوردند و او را در میان برپا داشته، ۴ بدو گفتند: «ای استاد، این زن در حین عمل زنا گرفته شد؛ ۵ و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنانی سنگسار شوند. اما تو چه می‌گویی؟ ۶ و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند. اما عیسی سر به زیر افکنده، به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت.)

بنگرید که عیسی چگونه به آنان جواب داد و چگونه با آن زن رفتار کرد:

(۷) و چون در سؤال کردن اصرار می‌نمودند، راست شده، بدیشان گفت: «هرکه از شما گناه ندارد اول بر او سنگ اندازد.» ۸ و باز سر به زیر افکنده، بر زمین می‌نوشت. ۹ پس چون

سید احمد الحسن (علیه السلام):

مهم‌ترین چیزی که باید در نظر داشته باشیم و بدانیم، این است که آن‌که مالش را در راه خدا انفاق نمی‌کند جانش را هم در راه خدا نمی‌دهد. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)

ایمان نیاوردید؛ اما باج‌گیران و فاحشه‌ها بدو ایمان آوردند و شما چون دیدید آخر هم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید). [انجیل متی، ۲۱: ۳۲]



و شبیه عیسی، احمد الحسن علیه السلام فرمود: «به آنچه در ملکوت آسمان‌ها می‌شنوید و می‌بینید، شهادت دهید. مردم را به وسیله حق بشناسید و مردم را به حق دعوت کنید. همه را به سفره‌ای که از آسمان نازل شده، دعوت کنید. شاید کسانی که با طولانی کردن نماز و دعا تظاهر می‌کنند، بر سر این سفره حاضر

زناکار غیر خودی را اعدام می‌کنند، اندکی از تعالیم فرستادگان الهی را در زندگی خود جاری کرده‌اند؟

به دنبال گوسفند گمشده باشیم

و حال بخوانیم داستان گوسفند گم‌شده را از زبان عیسی مسیح؛ در انجیل می‌خوانیم:

۱) و چون همه باج‌گیران و گناهکاران به نزدش می‌آمدند تا کلام او را بشنوند، ۲ فریسیان و کاتبان همه‌کنان می‌گفتند: این شخص، گناهکاران را می‌پذیرد و با ایشان می‌خورد). [انجیل لوقا، ۱۵]

فکر می‌کنید که عیسی مسیح علیه السلام به آنان چه جوابی داد؟

۳) پس برای ایشان این مثل را زده، گفت: ۴ «کیست از شما که صد گوسفند داشته باشد و یکی از آن‌ها گم شود که آن نود و نه را در صحرا نگذارد و از عقب آن گم‌شده نرود تا آن را بیابد؟ ۵ پس چون آن را یافت، به شادی بر دوش خود می‌گذارد، ۶ و به خانه آمده، دوستان و همسایگان را می‌طلبد و بدیشان می‌گوید با من شادی کنید؛ زیرا گوسفند گم‌شده خود را یافته‌ام.

۷ به شما می‌گویم که بر این منوال، به سبب توبه یک گناهکار بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند خوشی در آسمان رخ می‌نماید.» [انجیل لوقا، ۱۵]

و آیا می‌دانستید که در زمان یحیی (ع) چه کسانی به او ایمان آوردند؟ عیسی به رؤسای کهنه و مشایخ قوم فرمود:

(زان‌رو که یحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو

سید احمد الحسن علیه السلام :

کسی که خمس و زکات نمی‌دهد، به همراه و در صف امام حجت علیه السلام نمی‌جنگد؛ حتی بعید نیست آن زمان که عدالت امام علیه السلام با مصالح شخصی‌اش هم‌خوانی نداشته باشد، در مقابل و بر ضد امام علیه السلام بجنگد. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)



بسیار از آن دورید، به شما می‌گوییم آنچه را عیسی به نظیران شما گفت:

(لکن رفته، این را دریافت کنید که «رحمت می‌خواهم نه قربانی»؛ زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم).

[انجیل متی، ۹: ۱۳]

و می‌گوییم:

(کسی که از خداست، کلام خدا را می‌شنود).

[انجیل یوحنا، ۸: ۴۷]



و می‌گوییم آنچه احمدالحسن گفت:

«خوشا به حال آنان اگر توبه کرده، بر سفره بزم عروسی برّه حاضر شوند.» [نامه هدایت]
آری خوشا به حال آنان، خوشا به حال کسانی که حاکمیت خدا را پذیرفته‌اند و به ریسمان مستحکم الهی چنگ زده‌اند و به خلیفه خدا سجده‌ای فرشته‌وار کرده‌اند و در تبعیت از دستوراتش سرپیچی نمی‌کنند؛ آری خوشا به حالشان.

نشوند؛ اما زناکار و شراب‌خوار و خطاکاران بر سر این سفره حاضر می‌شوند، و به‌سوی خداوند توبه می‌کنند و باز می‌گردند. برای همین مبعوث شده‌ام. برای اصلاح همین‌ها.»

[نامه هدایت]



پس ای القاعده و طالبان و طواغیت که به نام دین جنایت می‌کنید و خود را به ناحق گماشته‌شده توسط خدا می‌دانید با اینکه چه

سید احمد الحسن (علیه السلام):

زمانی که در حال روزه‌داری احساس گرسنگی کردی به یاد مسلمانانی باش که بیشتر ایام

سال را گرسنه می‌مانند. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)



دعوت به حاکمیت خدا

رکن سومی که احمد الحسن علیه السلام با آن نزد مسیحیان آمده است

خواهد بود و کمر بند میانش امانت. ۱۰... و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه یسی به جهت علم قوم‌ها برپا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود. ۱۱ و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتروس و حبش و عیلام و شنعار و حَمات و از جزیره‌های دریا باقی مانده باشند باز آورد. ۱۲ و به جهت امت‌ها علم می برافراشته،

طی مقالات پیشین مشخص شد که اوصاف احمد الحسن، القابی که به او می‌دهند و موقعیت مکانی ظهور او، در آیات ذکر شده است و ایشان به نصوص مربوط به خود احتجاج کرده است. همچنین به علم و حکمت او در نصوصی که مربوط به اوست، اشاره شده است و به اختصار بیان کردیم که احمد الحسن امروز با علم و حکمت آمده است. پس تا اینجا مشخص شد که او حداقل با دو رکن یعنی «نص» و «علم و حکمت» آمده است.

به امید خدا در این مقاله می‌خواهیم به [اشعیا، باب ۱۱] پردازیم تا علاوه بر اینکه وجود دو رکن اول را در این باب نشان دهیم، وجود رکن سوم در دعوت ایشان را نیز واضح کنیم:

۱) و نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت. ۲ و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت؛ یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوّت و روح معرفت و ترس خداوند. ۳ و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت. ۵ و کمر بند کمرش عدالت



سید احمد الحسن علیه السلام:

در روزه، حکمت تدبّر و تفکر در احوال مسلمین است. در روزه، جهاد با نفس، شیطان، هوا و هوس و زینت دنیا است. در روزه، دوستی در راه خدا و دشمنی در راه خدا وجود دارد (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



می‌شود و به عدل داوری و جنگ می‌نماید.» [مکاشفه، ۱۹: ۱۱] و مشخص شد که «شاخه» نیز به عدل داوری می‌کند. و نیز در وصف بره یا همان اسب‌سوار می‌خوانیم: «و یکی از آن پیران به من می‌گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است، غالب آمده تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید.» [مکاشفه، ۵: ۵] و شاخه نیز از نسل یسی، پدر داوود است. همچنین آنچه در آیه دوازدهم می‌خوانیم منطبق بر اوصاف بره است. [ر.ک. مکاشفه ۷: ۳-۸؛ ۱۴: ۴؛ ۱۹: ۹]

بنابراین شاخه، همان بره یا شیری است که از نوادگان یسی است و در یکی از مقالات پیشین مشخص شد که او، احمدالحسن است. پس در اینجا نص دیگری را در ارتباط با احمدالحسن مشاهده کردیم.

همچنین در آیه ۲، به رکن دوم یا علم و حکمت احمدالحسن نیز اشاره شده است و همچنان که پیش‌تر اشاره شد، «غلام امین و دانا» منتشرکننده علم و حکمت است؛ کسی که آفایش، او را مسئول خوراک دادن به اهل خانه‌اش می‌کند.

اما «نهال»، که آن شاخه (احمد) از ریشه‌ها یا از نسل اوست، همان پدر بره [ر.ک. مکاشفه ۱۴: ۱] یا امام مهدی است، کسی که فرزندش احمد از نسل اوست و یاران او را جمع می‌کند و او از نسل یسی است؛ چراکه مادرش (نرجس) از نسل یسی بود؛

همان آقایی که «غلام امین و دانا» یا شاخه را (که روح خدا بر او قرار خواهد گرفت) بر اهل خانه می‌گمارد تا علم و حکمت را منتشر نماید،

رانده‌شدگان اسرائیل را جمع خواهد کرد، و پراکندگان یهودا را از چهار طرف جهان فراهم خواهد آورد. [اشعیا، باب ۱۱]

اما مهم‌ترین سؤالی که مطرح می‌شود این است که «شاخه» کیست؟ اگر با دقت صفات او را با صفات شخصیت بره یا همان سوار بر اسب سفید (احمدالحسن علیه السلام) مقایسه کنیم، مشخص می‌شود آن‌ها یک شخصیت واحد هستند.



در وصف سوارشونده بر اسب سفید یا همان احمد، می‌خوانیم: (و دیدم آسمان را گشوده و ناگاه اسبی سفید که سوارش امین و صادق خوانده

سید احمد الحسن علیه السلام:

مؤمن همیشه گرفتار است و باید از صبر به عنوان سلاحی قوی در برابر مصیبت‌ها و گرفتاری‌ها استفاده کند. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



است: (۳) و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود. ۴ بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت). [إشعیا، باب ۱۱]؛ پس احمدالحسن خواهان و اجراکننده حاکمیت خداست. باید بگوییم که در این دنیا که همگان پرچم دموکراسی و انتخابات و «حاکمیت مردم» را بلند کرده‌اند و آن را فریاد می‌زنند و آن را بر «حاکمیت خدا» مقدم داشته‌اند و قانون خدا را نمی‌خواهند، تنها احمدالحسن است که همچون سایر فرستادگان، یگانه پرچم «البیعة لله، بیعت برای خداست» را به سوی قوم‌ها برافراشته است:

(و پرچمی به جهت امت‌های دور برپا خواهد کرد). [إشعیا، ۵: ۲۶] و این عقیده را بیان کرد که حاکمیت برای خداست؛ بلکه او خواهان آن است؛ برخلاف مردم که از آن غافل شده‌اند و جرئت ابراز و بیان آن را ندارند.

او در بخشی از کتاب «حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم» از تناقضات دموکراسی و تبعیض‌هایی که در آن وجود دارد، رونمایی کرده و اثبات نموده است که «حاکمیت مردم» در تضاد با «حاکمیت خدا» است. پس او با رکن سوم نیز آمد. بنابراین تا اینجا مشخص شد که احمدالحسن علیه السلام با قانون ثابت شناخت فرستادگان آمده است؛ قانونی که فقط فرستادگان خدا با آن می‌آیند.

و او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. [ر.ک. متی ۲۴: ۲۷] و در کتاب دانیال او را با شخصیت «قدیم‌الایام» می‌شناسیم [ر.ک. دانیال ۷: ۹ و ۱۳ و ۲۲]



احمدالحسن علیه السلام فرمود:

«...و نام‌گذاری می‌شود در آن به «قدیم‌الایام» برای طول عمرش.»

«...»
[سرگردانی یا راه به سوی خدا]
اما در این باب، به رکن سوم نیز اشاره شده

سید احمدالحسن علیه السلام:

بدانید در دنیایی که از محمد بن عبدالله (ص) منع شد خیری نیست؛ پس سعی در اصلاح دین خود داشته باشید تا دنیا و آخرت شما اصلاح شود.
(سرگردانی یا راه به سوی خدا)



عهدی ماندگار از علی (علیه السلام)

لزوم ایثارگری و کناره نگرفتن حاکم از مردم

پنجم: ایثار

ایشان (علیه السلام) تنها به سفارش معاونان و والیان شهرها، در رعایت عدل درباره رعیت بسنده نمی‌کند؛ بلکه آنان را به گذشت و ایثار در دو سطح مادی و معنوی نیز امر می‌کند و از زیباترین آموزه‌های ایشان، دستور حضرتش در قالب دعا بوده، نه به صورت مستقیم. ایشان (درود پروردگارم بر او) از خلال دعا، به اصحاب و معاونان و وزیران خویش می‌آموزد و آنان را به ایثار و گذشت، از خلال مقدم ساختن

رعیت بر نفس خود حتی در دعا امر می‌کند. ایشان (علیه السلام) هرگز از خداوند طلب سعادت، خوشبختی و شهادت را نکرده، مگر اینکه قبل از آن، خواستار توفیق خدمت به خلقِ خدای سبحان و سامان بخشی به سرزمین‌هایش را مسئلت داشته است.

ایشان (علیه السلام) فرمودند: «...أَنْ يُؤَقِّنِي وَإِيَّاكَ لِمَا فِيهِ رِضَاءُ مَنْ الْإِقَامَةِ عَلَى الْعُذْرِ الْوَاضِحِ إِلَيْهِ وَإِلَى خَلْقِهِ، مَعَ حُسْنِ الثَّنَاءِ فِي الْعِبَادِ [۱] وَجَمِيلِ الْأَثَرِ فِي الْبِلَادِ وَتَمَامِ النُّعْمَةِ وَتَضْعِيفِ

الْكَرَامَةِ وَأَنْ يَخْتِمَ لِي وَلَكَ بِالسَّعَادَةِ وَالشَّهَادَةِ.»

«... [از خداوند مسئلت می‌نمایم] من و تو را موفق بدارد تا رضای او را جلب کنیم و کاری کنیم که نزد او و خلقش معذور باشیم همراه با مدح و ثنایی که در میان بندگان و آثار خوب در شهرها و تمامیت نعمت و فزونی شخصیت در پیشگاه او باشد و نیز از او مسئلت دارم که زندگی من و تو را با سعادت و شهادت پایان بخشد.»

ششم: دوری و عزلت‌گزیدن از دید رعیت

از امور تأسفبار در طول تاریخ بشریت، گوشه‌نشینی و عزلت‌گزیدن والیان نسبت به حال مردم است و تماس و ارتباطشان فقط از طریق مشاوران و معاونان صورت می‌گیرد و همین امر یا فعل باعث به وجود آمدن آثار منفی بزرگی می‌شود.

به همین دلیل امیرالمؤمنین (علیه السلام)



سیداحمدالحسن (علیه السلام):

ای عزیزان، سختی را تحمل کنید و به روزی حلال هرچند کم باشد، قانع باشید و به دنیا کمتر اهمیت دهید و با طاغوتیان و پیروان آنها معاشرت نکنید.

(سرگردانی یا راه به سوی خدا)





پاره‌هایی از عهد ماندگار، شهید
انمار حمزة المهدی

عِلْمٍ بِالْأُمُورِ، وَالْاِخْتِجَابُ مِنْهُمْ
يَقْطَعُ عَنْهُمْ عِلْمَ مَا اخْتَجَبُوا
دُونَهُ يَصْغُرُ عَنْهُمْ الْكَبِيرُ،
وَيَعْظُمُ الصَّغِيرُ، وَيَقْبُحُ الْحَسَنُ،
وَيَحْسُنُ الْقَبِيحُ، وَيُشَابُّ الْحَقُّ
بِالْبَاطِلِ، وَإِنَّمَا الْوَالِي بَشَرٌ لَا
يَعْرِفُ مَا تَوَارَى عَنْهُ النَّاسُ
بِهِ مِنَ الْأُمُورِ، وَلَيْسَتْ عَلَى
الْحَقِّ سِمَاتٌ تُعْرَفُ بِهَا ضُرُوبُ
الصِّدْقِ مِنَ الْكَذِبِ...» [۲]

«پنهان ماندن از رعیت را
طولانی مکن، که در پرده ماندن
حاکم، شاخه‌ای است از
تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی به
امور. و پنهان ماندن حاکم از
رعیت حاکمان را از دانستن
آنچه بر آنان پوشیده است
بازمی‌دارد.»

بر این اساس کار بزرگ پیش
آنان کوچک و کار کوچک
بزرگ جلوه می‌کند، زیبا
زشت گردد و زشت زیبا
شود، و حق به باطل آمیخته
می‌گردد. زمامدار انسانی
است که آنچه را مردم از
او پوشیده دارند نخواهد
دانست، و حق را هم نشانه‌ای
نیست که به وسیله آن انواع
راستی از دروغ شناخته شود.»

را می‌یابیم که این امر را فرو
نگذارده‌اند؛ بلکه توضیح
دادند؛ و ایشان کتاب آشکاری
هستند که در آن، تفصیل و تبیین
هر چیز، گنجانده شده است.



پس برای معاون خود در حالی
که او را از حجاب و عزلت‌گزیدن
نهی کرده و آثار زیان‌بار آن را
بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

«فَلَا تُطَوِّلَنَّ اخْتِجَابَكَ عَنْ
رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّ اخْتِجَابَ الْوَلَاةِ عَنْ
الرَّعِيَّةِ شُعْبَةٌ مِنَ الضِّيْقِ، وَقَلَّةٌ

۱. و از جلیل‌ترین و بزرگ‌ترین
مصادیق بندگی که امیرالمؤمنین (ع)
ذکر می‌کنند، خدمت عیال‌الله
است؛ پس خلق، عیال و
خانواده و اهل خداوند هستند و
دوست‌داشتنی‌ترین آنان، نزد او،
مهربان‌ترین آنان نسبت به عیال و
خانواده‌اش است.
۲. نهج‌البلاغه، عهدنامه مالک
اشتر.

سیداحمدالحسن الطائفة :

بدانید کسی که جسمش را خسته کند قدرت عبادت ندارد؛ پس باید برای عبادت‌های
واجب و مستحب، وقتی در نظر گرفته شود و اسبابش را مهیا کرد؛ به‌خصوص نماز شب
که در هیچ حالتی نباید آن را ترک کرد. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)

بررسی زمان شکل‌گیری نهاد خانواده

قسمت دوم

مانند آمادگی برای باروری پوشیده شود؛ زیرا این کار نیز هزینه اقتصادی در بر دارد؛ پس بهتر است همچون دیگر نشانه‌های خاص در زمانی که نیازی به آن‌ها نیست در مسیر تکامل متروک و ناپدید شوند.

آن نوع ارتباط جنسی که به رابطه دائمی تبدیل شده است و نه فقط به هنگام آمادگی برای تولیدمثل، منجر به تعمیق رابطه میان زوجین و افزایش ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌شود. این گام نخست برای تشکیل خانواده است. به این ترتیب با شیوه علمی اثبات کردیم که خانواده از زمان‌های بسیار دور و پیش از خروج هوموساپینس‌ها از آفریقا شکل گرفته است؛ زیرا به‌طور کلی تاریخ لباس پوشیدن انسان‌واره‌ها، تقریباً به ۱۷۰ هزار سال پیش بازمی‌گردد. حتی شواهد و نشانه‌هایی وجود دارد که بر لباس پوشیدن پیش از این تاریخ نیز دلالت دارد.

دکتر «دیوید رید» متخصص علم ژنتیک دانشگاه فلوریدا، پژوهشی در رابطه با تکامل ژنتیکی انواع شپش‌هایی که انگل انسان هستند انجام داده است. این شپش‌ها سه گونه هستند: شپش سر، شپش ناحیه تناسلی و شپش لباس‌ها. وی دریافت که بین پیشینه تکامل شپش‌ها و پیشینه تکامل انسان، هم‌خوانی وجود دارد. وی دوره زمانی خاصی را مشخص کرده است که شپش‌ها از پیشینیان خود که به برخی حیوانات می‌چسبیده‌اند، جدا

در مقاله قسمت اول، با نقش بسزای پوشیدن لباس در تشکیل نهاد خانواده آشنا شدیم و در این قسمت با دلایل احمدالحسن در خصوص زمان شکل‌گیری خانواده بر اساس معیار پوشیدن لباس آشنا خواهیم شد.

«می‌توان تصور کرد که با مرور زمان و در نتیجه پوشیدن لباس، عمل جنسی به تمایلی مداوم تبدیل شده است؛ زیرا افرادی که تنها پس از بروز نشانه‌های آمادگی جنسی، به انجام عمل جنسی مبادرت می‌ورزند، پس از پوشیده شدن نشانه‌های این آمادگی توسط لباس‌ها، نمی‌توانند ژن‌های خویش را به نسل‌های بعدی انتقال دهند. زیرا به‌طور خلاصه آن‌ها عمل جنسی انجام نمی‌دهند یا آن را به شکل محدود انجام خواهند داد و شاید این عمل ندرتاً با زمان باروری مصادف باشد. این موضوع سبب می‌شود ژن‌ها به‌طور محدود به نسل‌های بعدی انتقال یابد. افرادی که پی‌درپی آمیزش جنسی انجام می‌دهند، حتماً یکی از این آمیزش‌های آن‌ها با فصل باروری مصادف خواهد شد و در نتیجه این افراد در انتقال ژن‌های خود، بیش از دیگران موفق خواهند بود؛ بنابراین طبیعی است که آمیزش جنسی، در نهایت به سمت دائمی شدن سوق یابد؛ زیرا به این ترتیب به ویژگی کارآمدی تبدیل می‌شود که از طریق انتخاب طبیعی به نسل‌های بعد انتقال می‌یابد. با مرور زمان انتظار می‌رود که نشانه‌های خاص

سید احمد الحسن رحمته‌الله:

کسی که توان خواندن ندارد، باید در مساجد یا از دیگر مؤمنین اقدام به یادگیری بعضی مسائل فقهی کند و سپس به انتشار آن در میان مؤمنین بپردازد.

(سرگردانی یا راه به سوی خدا)



شکل ۱۱: این نمودار انشعاب شپش لباس از شپش سر، و نیز تاریخ لباس پوشیدن انسان را نشان می‌دهد. [۱] و [۲]

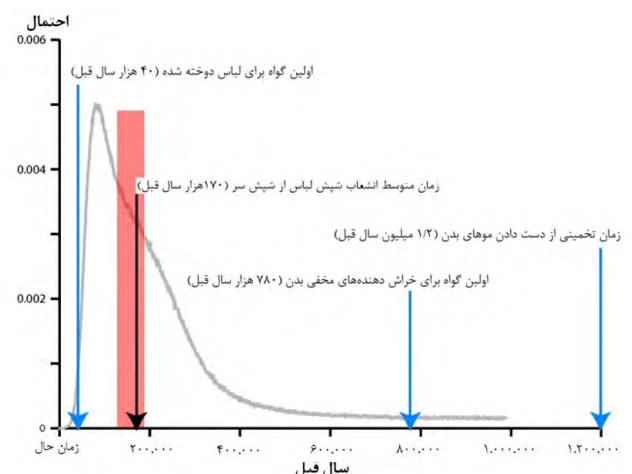


بنابراین در این قسمت طبق کلام احمدالحسن دانستیم که آن نوع ارتباط جنسی که به رابطه دائمی تبدیل شده است و نه فقط به هنگام آمادگی برای تولید مثل، منجر به تعمیق رابطه میان زوجین و افزایش ارتباط آن‌ها با یکدیگر می‌شود. این گام نخست برای تشکیل خانواده است و این گام مهم هم‌زمان با پوشیدن لباس توسط انسان‌واره‌ها بوده است که طبق تحقیقات حدود ۱۷۰ هزار سال پیش اتفاق افتاده است.

شده‌اند. «دیوید رید» با توجه به پژوهش خویش به این نتیجه رسید که انسان تقریباً سه میلیون سال پیش وجود داشته و در آن زمان، بدنی تقریباً کم‌مو داشته است؛ همان طور که سایت خبری دانشگاه فلوریدا بیان کرده است، «دیوید رید» پژوهشگر در تحقیق ژنتیکی خود به نتیجه‌ای دست یافت که می‌توان آن را این‌گونه خلاصه کرد:

انسان بیش از ۱۷۰ هزار سال است که لباس می‌پوشد. شپش لباس‌ها از شپش‌های سر نشأت گرفته‌اند، و انشعاب بین این دو گونه، پس از لباس پوشیدن انسان آغاز شده است.

به گمانم مطالب علمی که در باب این مسئله بیان داشته‌ام، برای ردّ این نظریه اجتماعی که خانواده نهادی تازه تأسیس است، کفایت می‌کند. طبق این نظریه، خانواده حدود ده هزار سال پیش و در نتیجه اجتماع فرزندان به دور مادر شکل گرفته است؛ زیرا بر اساس این نظریه به دلیل رواج گسترده اعمال جنسی، فرزندان پدران خود را نمی‌شناخته‌اند؛ ولی اکنون ما دلایلی در اختیار داریم که نشان می‌دهد چه بسا خانواده خیلی پیش‌تر از این زمان شکل گرفته و شاید قبل از ظهور هوموساپینس به وجود آمده باشد.



تابع توزیع احتمال زمان انشعاب شپش لباس از شپش سر

[۱].Toups, M. A., Kitchen, A., Light, J. E., & Reed, D. L. (۲۰۱۱). Origin of clothing lice indicates early clothing use by anatomically modern humans in Africa, Molecular biology and evolution, ۳۲-۲۹, (۱)۲۸.

قابل دسترس در نشانی:



«جهت مطالعه کلیک کنید»

[۲] احمدالحسن، توهّم بی‌خدایی: نشانه‌های پروردگار در هستی، ترجمه فارسی، ۱۳۹۷ش، صفحه ۲۳۱ و ۲۳۳.

سیداحمدالحسن (علیه السلام):

کسی نباید علمش را کوچک بشمارد؛ حتی اگر فقط یک مسئله فقهی را بدانید باید به نشر آن بین مؤمنین اقدام کنید. (سرگردانی یا راه به‌سوی خدا)

حکم شرعی بوسیدن دست عالم، والدین، معلم، کودک و...

آیا بوسیدن دست علمای دین جایز است؟



بوسیدن دست علمای دین جایز نیست و دست‌بوسی جز برای پیامبر یا وصی روا نیست؛ همان طور که امام جعفر بن محمد صادق علیه السلام فرموده و حدیث در اصول کافی موجود است. [۱]
هر عالم دینی که دستش را برای بوسه پیش می‌آورد یا به این کار راضی است و به مردم اجازه می‌دهد دستش را ببوسند، با فرمان خدا و پیامبرش و ائمه و با فرمان امام مهدی علیه السلام مخالفت ورزیده است. بر علماست که تواضع پیشه کنند و برای فرمان خدا و پیامبرش و ائمه و امام مهدی علیه السلام خاضع باشند و به آنچه از حضرت علیه السلام صادر می‌شود گردن نهند، نه اینکه همچون پادشاهان و طاغوتیان تکبر ورزند و بر مردم برتری جویند و دستان خود را برای بوسه‌زدن جلو ببرند. از خداوند برای آن‌ها هدایت مسئلت می‌نمایم؛ مگر آن کس که نپذیرد و کافر شود.



۱. حدیثی که مدنظر سید احمد الحسن علیه السلام است، حدیثی است که از علی بن مزید نقل شده است: بر ابو عبد الله علیه السلام وارد شدم. دستش را گرفتم و بوسیدم. فرمود: «[بوسیدن دست] جز برای نبی یا وصی نبی جایز نیست.» [کافی، ج ۲، ص ۱۸۵]
(متشابهات، ج ۱، پرسش ۲۱)

سید احمد الحسن علیه السلام :

آگاه باشید که امروزه با نشر فقه و بحث بین مؤمنین در خصوص قوانین اسلامی و احوال مسلمانان، چهره طاغوت‌ها و اعوان و انصار آن‌ها که با اسلام ظاهرنمایی می‌کنند، عریان می‌شود. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



حکم بوسیدن دست پدر و مادر و دست بچه‌های کوچک چیست؟



جایز است.



سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، ج ۱، پرسش ۴۰

از امام آموخته‌ایم که بوسیدن دست والدین و بچه‌های کوچک جایز است. آیا این حکم در خصوص برادر، خواهر و معلم هم جاری است؟ یعنی آیا بوسیدن دست غیرفقه‌ها جایز است؟



از این کار بپرهیزید؛ خداوند شما را توفیق عطا فرماید و گام‌هایتان را استوار بدارد. این سنت بدی است و غالباً تکبر را برمی‌انگیزد. والدین، فرزندان و زن و شوهر فقط به دلیل رابطه بسیار نزدیک بدنی است (که بوسیدن دستشان اشکال ندارد) و بعید است که بوسیدن دست پدر، مادر، فرزند، شوهر و زن باعث برانگیختن تکبرشان شود.



سید احمد الحسن علیه السلام، پاسخ‌های فقهی، ج ۳، پرسش ۹۹

سید احمد الحسن علیه السلام:

بر عهده ماست که به اصلاح زیردستان و فرومایگانی بپردازیم که در خدمت طاغوتیان هستند و آیات قرآن و سخنان انبیاء علیهم السلام و جهادی را که در مقابل طاغوت انجام دادند به آن‌ها یادآور شویم. (سرگردانی یا راه به سوی خدا)



کرونا سازه‌های تشکیلات مذهبی را خراب می‌کند

آنچه در اصطلاح آموزش پزشکی عمومی نامیده می‌شود کفایت می‌کند و این مسائل نیز با توجه به فقه و دین به‌طور کلی وجود دارد؛ بلکه بیشتر از آنچه بیان شد نیز وجود دارد.



بنابراین آموزش و فرهنگ‌سازی در اینجا یک وظیفه است و بدین صورت نیازی نیست ریش‌های خود را به دست ناهلان بسپاریم. البته این جماعت نمی‌خواهند مردم تحصیل کرده باشند و آن‌ها نمی‌خواهند تفکر منطقی مناسب در بین مردم گسترش یابد؛ زیرا این امر برای جاه‌طلبی و طمع آن‌ها بسیار خطرناک است.

[صفحه شخصی دکتر دیراوی در فیس‌بوک]

مشهورترین دلیلی که توسط نهاد مذهبی در حمایت از بدعت تقلید مطرح شده، این است که گفته می‌شود غیرمتخصص معمولاً به متخصص مراجعه می‌کند؛ پس بیمار باید به پزشک مراجعه کند، و... .

البته منظور آن‌ها این است که بیمار بدون بحث و تلاش برای فهمیدن، باید از پزشک اطاعت کند؛ در غیر این صورت دلیل آن‌ها، که در اصل برای اثبات ایده تقلید بدون بحث و تلاش برای فهمیدن از مجتهدان، مطرح شده بود باطل می‌شود...

اکنون همه ما اختلافات بزرگ بین پزشکان (متخصصان) راجع به چگونگی برخورد با بیماری همه‌گیر کرونا را می‌بینیم و می‌شنویم؛ اختلافاتی که به نقطه تناقض و اتهام متقابل رسیده است. ناگفته نماند اتهام توطئه نیز مطرح است.

با توجه به چنین فضای مشکل‌آفرینی، آیا منطقی نیست که هر انسانی، آگاهی حداقلی پزشکی داشته باشد، تا حدی که به او اجازه دهد بین نظرات، تمیز یا حداقل بین آن‌ها تفاوت قائل شود؟

این مقداری است که البته در دسترس است و نیازی به تخصص در کتاب لمعه دمشقیه یا کتاب‌های پزشکی جالینوس نیست؛ بلکه

سیداحمدالحسن رحمته‌الله:

شب و روز، آشکار و پنهان، تلاش کنید؛ تلاشی درخور مؤمنی که برای آماده‌سازی پایه‌های دولت صاحب‌الزمان عجل‌الله در این هنگامه عظیم، تلاش می‌کند! (سرگردانی یا راه

به سوی خدا)



مهم ترین خبر جهان!

سید احمد الحسن علیه السلام ظهور کرد
ای یهودیان! فرستاده ایلایا آمده است.
ای مسیحیان تسلی دهنده و فرستاده مسیح آمده است.
ای عزیزان اهل سنت! آن مهدی که در آخر الزمان متولد
می شود، اکنون در میان ماست.
ای شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام فرستاده امام
مهدی و دعوت کننده به سوی او، یمانی موعود،
سالهاست که منتظر شماست.
ای تمام آزاداندیشان و اهل علم در زمین! خلیفه خدا با
سندی از علم و شگفتی ها آمده است.